

«نصرت رحمانی»

دبیر مجموعه: محمدهاشم اکبریانی
گفت‌وگو: مهدی اورند
انتشارات: نشر ثالث، تهران
تاریخ انتشار: ۱۳۸۸
چاپ: یکم
تعداد صفحه: ۴۰۰
قیمت: ۸۵۰۰ تومان

از این سری کتاب «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر» خوشم می‌آید. هر شماره‌ای از آن را که دیدم، خریده و خوانده‌ام و لذت بردم. کاری است بسیار پسندیده و ارجمند. ای کاهش همان وعده‌ی ۵۰ نفری که در ابتدای کار داده بودند، تحقق می‌پذیرفت و ما را با دنیایی از خاطرات ادیبان و شاعران معاصر ایران آشنا می‌ساختند. این کتاب هم در بیست و هفتمین نمایشگاه کتاب تهران- در آغازین روز برپایی‌اش یعنی ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ همراه با چند کتاب دیگر از همین سری «تاریخ شفاهی…»، گفت‌وگو با مهدی غبرائی دیدم و خریدم.

کتاب نصرت رحمانی را خواندم. دلم می‌خواست اردتی پیدا کنم که نکردم. حقیقتش از همان پیش‌ترها هم چندان دل بستگی به نصرت رحمانی و اشعارش نداشتم. حالا که خواندم و شناخت بیشتری از ایشان پیدا کردم، بیشتر از او دور شدم. نصرت رحمانی شاعر ایده‌آل من نیست. نصرت رحمانی برای یک دوره‌ی خاص سال‌های دهه‌ی سی و چهل برای دخترانی خوب بود که مجله‌ی «زن روز» را می‌خواندند و عکس‌های فیگوری نصرت را می‌دیدند و دل‌بسته‌اش می‌شدند. آن هم در زمانی که نه تلویزیونی بود و نه ویڈئو و نه سی‌دی و نه واتس‌آپ و نه ماهواره‌ای. نصرت و امثال نصرت نقطه‌ی اوج عشاقی بودند که در خانه حبس بودند و دورادور عاشق‌اش می‌شدند. گرچه خود نصرت هم دخترباز قهاری بود و از هیچکس ایایی نداشت. گرد و افیون و هروئین هم که بخشی از زندگی‌اش را تشکیل می‌داد. بی‌مسئولیتی و فرار از تعهدات اجتماعی و انسانی هم که سرلوحه‌ی کارهایش بود. اشعارش ماندگاری چندانی ندارد و چه بسا پیش از درگذشت‌اش، خویش تفکراتش غروب کرد و در قاف ناپدید شد.

کسی که همراه با گلسرخ‌ی در یک مکان قلم می‌زد و با هم دستگیر می‌شوند، مأموران امنیتی شاه (ساواک) برایش مواد مخدر به زندان می‌برند

این سه جلد را خواندم. استحکام رمان بسیار قوی است. همه زوایای آن خوش نشسته است. گفت‌وگوها که نگفتنی است. هم ابراز عقیده است و هم توصیف صحنه. کمتر نویسنده‌ای سراغ داریم که قدرت احمد محمود را داشته باشد تا از طریق گفت‌وگوی شخصیت‌ها بتوانند توصیفگر زمان و مکان رمانش باشد.

کتاب در واقع بخشی از تاریخ معاصر ما از آغاز دهه پنجاه تا آستانه انقلاب را به تصویر کشیده است. شخصیت‌ها همه از اعماق اجتماع‌اند و آن

تا او را به عنوان فردی معتاد معرفی کنند و موجبات آزادی‌اش را فراهم نمایند.

تفاوت از زمین تا آسمان است.

کتاب نصرت رحمانی را که خواندم، نه زندگی شخصی‌اش مرا جذب کرد و نه اشعارش. او حتی هنر را برای هنر نمی‌خواست، چه برسد هنر برای مردمش.

زندگی شخصی‌اش چندان ربطی به بنده ندارد ولی‌ای کاش اشعار و داستان‌ها و مطالبش، گره‌ای از مشکلات جامعه را می‌گشود.

از اینکه کتاب را خواندم‌ام پشیمان نیستم ولی از اینکه با چنین اشخاصی روبرو می‌شویم که متأسفانه زمانی قبله‌ی آمال عده‌ای نوجوان و جوان ناآگاه قرار می‌گیرند، پشیمانم. از مطالبی که در این کتاب خواندم، بیس از همه از متن آقای سعید وزیری (معلم ورامین) (صفحه ۳۱۷) خوشم آمد. مابقی مطالب هم خوب بود گرچه همه در ستایش از نصرت بود. کسی به نقد و بررسی اشعارش نپرداخته بود. نمی‌دانم در رابطه با نصرت رحمانی، حق با رضا برهانی هست یا نیست؟

«جواد مجابی»
دبیر مجموعه: محمدهاشم اکبریانی
گفت‌وگو: علی شروقی
انتشارات: نشر ثالث، تهران
چاپ: یکم، ۱۳۹۳
تعداد صفحه: ۳۷۶
قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

آخرین کتابی که در پایانی‌ترین روز از سال ۱۳۹۳ خواندم، «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» گفت‌وگو با «جواد مجابی» بود.

گرچه جواد مجابی در سال ۱۳۱۸ در قزوین تولد یافته است ولی بنا به گفته‌ی خودش، از خانواده‌ی «سادات شیرازی» هستند که در زمان فتحعلی شاه از شیراز کوچ می‌کنند و در قزوین ساکن می‌شوند. آجادش بیشتر اهل منبر بودند. دخترم که دانشجوی دانشگاه شهید باهنر کیش است ، خرید و با خود آورد. همراه با یک بسته زیره و قوتو (قاووت) به دستم داد. و چه سوغاتی بهتر از این‌ها! کمی از قوتو خوردم و همچنان که دهانم شیرین بود، با شیرینی خوانم. کتاب را آغاز کردم. زیرمجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» که با نظارت محمدهاشم اکبریانی منتشر می‌شود را بسیار دوست دارم و مشتاقم به محض اینکه به دستم رسید بی‌درنگ بخوانم.

بررسی چهار مجموعه از «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر»

محمدرضا آل ابراهیم



گرچه جواد مجابی در سال ۱۳۱۸ در قزوین تولد یافته است ولی بنا به گفته‌ی خودش، از خانواده‌ی «سادات شیرازی» هستند که در زمان فتحعلی شاه از شیراز کوچ می‌کنند و در قزوین ساکن می‌شوند. آجادش بیشتر اهل منبر بودند. اصالت شیرازی بودن مجابی‌ها بمر میزان خوشحالی من افزود.

با خواندن این کتاب، پاسخ بسیاری از

پرسش‌هایم را دریافت نمودم. کتاب بر است از توضیحات بسیار ارزنده و مفید. هرچه بیشتر از این گونه کتاب‌ها می‌خوانیم، جامعه‌ی ادبی دوران خویش را بهتر می‌شناسیم. افکار، ایده‌ها، زندگی، مرام‌ها، خوشفکری‌ها و حتی تنگ‌نظری‌ها و عدم

می‌گویند: «بقیه این قضایا بماند برای روزگاری دیگر، آقای شروقی!» ولی ذهن عطشان کسانی چون بنده راضی نمی‌شود و دلم می‌خواست کتاب هیمچنان استمرار می‌یافت تا بهره‌ی بیشتری ببریم.

نشر و نگاه جواد مجابی در این کتاب بر پرسش‌های مصاحبه‌گر افضل است و به نظر می‌رسد که پرسش‌ها کمرنگ‌تر از پاسخ‌هاست. یک لحظه به ذهن تداعی می‌شود که نکند مطالب را آقای مجابی نوشته‌اند و به دست مصاحبه‌گر داده‌اند و ایشان بنا محتوای مطالب، پرسش‌هایی را مطرح و جاسازی کرده‌اند.

جواد مجابی را طنزنویس می‌پنداشتم. اما در این کتاب جز یکی دو مورد نادر، از طنز خبری نیست. تئرش پخته و سنگین و کمی زمخت به نظر می‌آید.

کتاب با این حجم نسبتاً زیاد، بسیار خوب حرف‌چینی شده بود. تنها یک اشتباه تایپی داشت. در صفحه ۳۶۵ خط ۴ اینگونه تایپ شده است: «… چند بار برده بودند تا…» که می‌بایست اینگونه باشد: «… چند بار برده بودند تا…»

ضیاء موحد
دبیر مجموعه: محمدهاشم اکبریانی
گفت‌وگو: اردوان امیری نژاد
انتشارات: نشر ثالث، تهران
چاپ: یکم، ۱۳۸۷
تعداد صفحه: ۱۹۲
قیمت: ۳۸۰۰ تومان

به نظر می‌رسد مطالب کتاب به صورت یکنواخت و پشت سر هم نوشته شده و بعداً تکه‌تکه کرده‌اند و مناسب حال هر مطلب، سوآلی جور کرده‌اند.

از نوع نگاه ایشان به نیما چندان راضی نیستم. از اطلاع‌ی کلام در صفحات پایانی کتاب که مربوط به خارج از کشور و تحصیل در لندن و تدریس در دانشگاه و شخصیت‌های غیر ایرانی که شناختی از آنها ندارم، خسته شدم ولی خواندم.

از صراحت بیانش مربوط به حافظ خوشم آمد. زیرا چنین نظری دارند: امروزه کاری کرده‌اند که انسان فکر می‌کند غیر از حافظ دیگر شاعری هم‌تراز ایشان نداریم. هر روز لنگ و پاچه‌ی حافظ را به میان می‌کشند و هر کس از این نویسنده یا شخصیت رمان خطور می‌کند این چنین می‌شود. ولی دیدم نه. مورد دیگر: پس از هر «گفت» دو نقطه (:) نیامده است.

مورد دیگر: خیلی از فعل‌ها و جمله‌ها تکراری است.

نویسنده خواسته ضمن بیان یک گفت‌وگو از حوادث پیرامون آن لحظه، از گفت‌وگو هم غافل نباشد که همین امر موجب تشتت فکر می‌شود.

این کتاب می‌توانست حجمی بسیار کمتر

از این داشته باشد. برخلاف آنچه که در رمان

پشم یا نم‌د برای خود کلاهی انداخته می‌کند. (نقل به مضمون)

برای نمونه، استاد محترم دانشگاه که دو جلد کتاب قطور بدون نموده‌اند که عناوین کتاب‌ها مقاله‌هایی است که درباره‌ی حافظ منتشر شده است. از کتاب دیگری از استاد ارجمندم تحت عنوان: «سایه‌ی عقاید و سنت‌های مردم شیراز در زمان حافظ بر شعر او» شما تصور بفرمایید این اسم طولانی برای کتابی به حجم ۸۸ صفحه و آن هم با هزار سریشم که بله این واژه… قرار شد راجع به کتاب بحث شود.

بماند برای بعد.

در این سلسله کتاب‌های «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» فعلاً بیش از همه از کتاب شمس لنگرودی خوشم آمده و از کتاب آقای ضیاء موحد چندان مطلبی نیاموختم.

شمس لنگرودی
دبیر مجموعه: محمدهاشم اکبریانی
گفت‌وگو: کیوان باژن
انتشارات: نشر ثالث، تهران
چاپ یکم: ۱۳۸۷
تعداد صفحه: ۲۲۰
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

خواندم و لذت بردم. آموختم. چه قدر زندگی، مشترکات فراوانی دارد. بعضی مواقع احساس می‌کردم که این خاطرات من است که شمس لنگرودی نوشته است. این نزدیکی‌ها را کاملاً احساس می‌کردم. شاید هم یکی از علت‌هایش، تاریخ تولد یکسان‌مان باشد. هر دو در یک مقطع سنی رشد کردیم و بزرگ شدیم و استحال‌ه یافتیم. زندان رفتیم و دانشگاه. و کتاب‌ها. گوئی در یک کوبه‌ی قطار نشست‌ه بودیم. ولی همدیگر را نمی‌شناخیم.

گذر از یک زمان تاریخی معین، این قدر مسیرهایمان را یکسان کرده است. مطالب بسیاری از کتاب برایم خویشاند و آموزنده بود. با بخش‌های عظیمی از زندگی‌اش همسویی دارم. فضا در صفحات ۳۶ و ۸۱ آورده است: «فکر نکنم ذاتاً درونگرا بوده باشم. عواملی مرا به درونگرایی کشاند…» و «چون روحه‌ی درونگرایی داشتم…»

بنده هم همین خصلت‌ها را در خود می‌بینم. با وجود این همه اشتراک فکر ولی در بعضی مواقع، بر نظر خود ایستاده‌ام.

«همسایه‌ها» و «داستان یک شهر» از این نویسنده شهر خوانده‌ایم. نمی‌دانم چرا آقای احمد محمود دوست داشته است که جزئیات به درد نخور که در اسکلت‌بندی و پر کردن منافذ این چهارچوب به کار نیامده است، را به تشریح بنشیند. همین امر موجب تضعیف حالت تعلیق این رمان گردیده است.

نام شخصیت محوری داستان — باران — چندان دلچسب نبود.

استهبان، باغ جوز، ساعت ۶ پسین، روز عید مبعث، چهارشنبه ۱۳۸۷/۵/۱۲

قشری که عنوان روشنفکری در بر دارد، در این کتاب بی‌حضور است.

نویسنده کتاب خوزستانی است و مسایل آن منطقه را بازگو می‌کند. به همین لحاظ گویش

خوزستانی، حاکم بر کتاب است. گرچه برای ثبت در تاریخ و تثبیت لهجه‌ها مؤثر است ولی استمرار آن در این کتاب برای خوانندگان غیرخوزستانی کمی موجب ملال است. کلماتی از قبیل مون، نو و …

مورد دیگری که باید عرض کنم این که نمی‌دانم چرا در برخی جاها، گفت‌وگوها زیر هم

«مدار صفر درجه»

نوشته: احمد محمود، انتشارات: معین، تهران
تاریخ انتشار: ۱۳۷۲، چاپ: یکم

تعداد صفحه: ۱۷۸۲، قیمت دوره سه جلدی: ۱۴۰۰ تومان

محمدرضا آل ابراهیم

آمده‌اند. برای خودم گفتم شاید هرگاه در ذهن

ثبتي و دادگستري

آگهی دعوت به ارزیابی کیفی فراخوان نخست مناقصه شماره (۵۸/۹۴/۱۴)

اداره کل راه‌آهن فارس در نظر دارد بنابر آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات به روش ارزیابی کیفی از پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت جهت دعوت به مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.

۱- شرح مختصر موضوع مناقصه: تهیه و نصب سایه‌بان پارکینگ ایستگاه راه‌آهن شیراز
۲- مدت و محل انجام کار: از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت چهار ماه و محل انجام کار ایستگاه راه‌آهن شیراز می‌باشد.
۱-۲ داشتن گواهی صلاحیت پیمانکاری با حداقل رتبه پنج در رشته ابنیه از معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری یا دارای صلاحیت از وزارت صنایع و معادن در زمینه مناقصه مذکور و مرتبط بودن موضوع فعالیت شرکت (مندرج در اساسنامه) با موضوع مناقصه فوق الزامی است.

۳- مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۸/۶ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی به نشانی شیراز جاده شیراز – سپیدان بین مجتمع خلیج فارس و پلیس راه ایستگاه راه‌آهن اداره کل راه‌آهن فارس امور قراردادهای
۴- مهلت و محل تحویل اسناد و پاکات ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۸/۲۰ در نشانی دفترخانه اداره اداری اداره کل راه‌آهن فارس.

۵- زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۸/۲۱
۶- هزینه‌های خرید اسناد: مبلغ (۲۰۰۰۰) ریال به حساب سیبیا شماره ۳۰۰۹۰۱-۴۲۷۶۴ نزد بانک ملی شعبه راه‌آهن به نام تمرکز وجوه درآمد اداره کل راه‌آهن فارس

۷- دریافت اسناد از طریق پایگاه ملی مناقصات به نشانی http://iets.mporg.ir به صورت رایگان می‌باشد.

۸- هزینه چاپ و نشر دو نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۹- در پایان از شرکت‌هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب کرده باشند جهت ارائه قیمت دعوت به عمل می‌آید.

۱۸۰۸۷/ م الف

اداره تدارکات و پشتیبانی اداره کل راه آهن فارس

آگهی حصر وراثت
<p>علی قاسمی شیریی فرزند مرحوم همدم دارای شناسنامه شماره ۹۰۰ فسا به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴/۷/۲ ح ش مرکزی از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحومه منور حمیدنیا شیریی به شناسنامه شماره ۲۴۱ فسا در تاریخ ۹۴/۳/۳۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته وراث حین‌الغوت آن مرحوم متحصرنند به:</p> <p>۱- علی قاسمی شیریی فرزند مرحوم همدم دارای شناسنامه شماره ۹۰۰ فسا</p> <p>۲- محمد قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۹۲ فسا</p> <p>۳- مهدی قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۹۱۸۱ فسا</p> <p>۴- احمدرضا قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۱۳۷۶۷ فسا (پسران متوفیه)</p> <p>۵- پرگ‌گل قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۶۵۵۹ فسا</p> <p>۶- سحر قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۹۲ فسا</p> <p>۷- فاطمه قاسمی شیریی به شناسنامه شماره ۱۶۸۵ فسا (دختران متوفیه) و لاغیر.</p> <p>اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفیه نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.</p> <p>۹۴/۶/ م الف</p>
<p>شورای حل اختلاف حوزه مرکزی فسا امور حصر وراثت خرم احسانی</p>

در مصرف آب صرفه‌جویی کنید

رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

شورای حل اختلاف حوزه مرکزی فسا امور حصر وراثت خرم احسانی